

نگاه تحلیلیگر

«جدایی» از منظر «گفت‌وگو»



دکتر هادی خانیکی

■ اعطای جایزه اسکار، درخشش فیلم فراموش‌نشدنی «جدایی نادر از سیمین» را بیشتر کرد و نشان داد که «صغر فرهادی» به عنوان پدیده‌ای نو در سینمای ایران می‌تواند همچنان گسترده‌های دیگری را پشت‌سر نهد و با این فیلم نشان داد که نه تنها برای مردمش در ایران، بلکه برای اصحاب فن و هنر در همه جهان نیز حرف‌های تازه‌ای دارد و می‌تواند در صدر حادثه‌های مهم سینمایی قرار گیرد. پیش از این، فیلم او از زاویه‌های مختلف فلسفی، فرهنگی، جامعه‌شناختی و سیاسی به‌خوبی در ایران واکاویده شده بود، من تنها می‌توانم از منطری ارتباطی به این مجموعه، این سخن را اضافه کنم که اثر ماندگار «فرهادی» تصویر واقعی وضعیت ارتباطی و انسداد گفت‌وگو در جامعه ماست. گویا همه از هم جدا شده‌ان و نمی‌توانند به درستی تا پایان کار با یکدیگر گفت‌وگو کنند.اگر این تصویر تیره است، اشکال در واقعیت آن است نه در قدرت هنرمندانه تصویر گری‌او.وقتی آینه،نقشی‌راستین را به نمایش گذاشت، جای شکستن آینه نیست. اکنون مساله فراتر از شناخت، نقد و بررسی فیلم «جدایی نادر از سیمین» رفته است. مساله امروز این است که اندیشه، هنر و کار «صغر فرهادی» زبانی جهانی یافته و این در امتداد فرآیندی است که بالندگی او را در متن سینمای ایران و ویژگی‌های ممتاز سینمای خود او قابل فهم کرده است.فرهادی از یک‌سو مشترکاتی با نسل نرسته سینماگر ما دارد و از سوی دیگر توانمندهای و خارقیت‌های ویژه‌اش او را از دیگران متمایز کرده است. این یعنی «هویت‌مندی» او، زیرا هویت داشتن یعنی برخورداری از ویژگی‌های مشترک از یک‌سو و وجوه تمایز از سوی دیگر، به این اعتبار است که «فرهادی» به هرجا که رفته، موفق بوده است و این کمتر از اسکار نیست. کدام جشنواره معتبر بین‌المللی و کدام صاحب‌نظر و صاحب فن و هنرمند جهانی در طول این یک سال گذشته جز زبان تحسین و تقدیر برای این اثر ماندگار گشوده‌اند؟ نمی‌توان برای این موفقیت تفسیری غیر از روییدن از متن و شکوفایی طبیعی قابل شد. توفیق فیلم «جدایی نادر از سیمین» نشانی از قدرت اندیشه و زبان هنری «فرهادی» است و این یعنی توانایی و اثربخشی هنر که سال‌ها پیش از این تحت عنوان «قدرت فرهنگ» و پیش‌افتادگی آن بر سیاست محافل آکادمیک و نهادهای معتبر علمی و فرهنگی جهان مثل یونسکو سخن به میان آمده بود. بر این پایه می‌توان امیدوار بود که شگفتگی کار فرهادی جلوه‌ای از امکان گفت‌وگو میان فرهنگ‌ها و زبان آوری هنر به‌ویژه هنر سینما در این دوران باشد.

ادامه از صفحه اول

دلم‌لرزيد



بهمن فرمان‌آرا

... در میان کف‌زدن‌های زیاد کارگردان برنامه اسکار کلوزآپی از «سارینا فرهادی» که اشک شوق صورتش را خیس کرده بود، نشان داد و با خود گفتم که چهره «سارینا» تصویر دل تمام انبیايي است که سربلندی سینمای ایران را می‌خواهند، حتی من پرمرد هم دلم لرزيد. موفقيت هر مهمبهي در هر زمينهاي اسباب غرور براي همه ملت مي‌شود و فرهادي با بردن جايزه اسکار سينماي ايران را بر بال شوق به آسمان هفتم برد و مي‌دانم با هوش و کلاوتي که در او سراغ دارم او حاکثر استفاده را از این پیروزی برای پیشبرد حرف‌هاش خواهد کرد. نوش جانش و هزاران دعای خیر پشتیبانش!

این موفقیت مثل سکهای می‌ماند که مثل هر سسکهای دیگر دو رو دارد و فرهادی یک روی آن را با فیلم فوق‌العادش تصویر کرده است. اما روی دوم بعد از تیریکات مکرر برعهده ماست و هر کدام از ما سعی می‌کنیم در کارمان موفق باشیم.

مرمورد سینمای ما باید دید مسوولان سینما از این فرصت طلایی چه استفاده‌ای می‌کنند و اینجاست که برمی‌گردم به اسم آن برنامه‌ای که در شروع آوردم. از آنجا که من تا اطلاع ثانوی خود را بازنشسته کرده‌ام این‌قدر امروز به خاطر این دوست جوان مسرور و سرحال هستم که برای مسوولان سینما چند پیشنهاد ساده دارم:

۱- «خانه سینما» را به اصناف فیلم‌پس س دهید

و بعد از تغییر آن دو دنب اساسنامه که قبول ندارید، بگذارید که اصناف مختلف سینما، هیات‌مدیره خانه سینمای خود را انتخاب کنند.

۲ - حکم ممنوع‌الکاری و ممنوع‌الخروجی جعفر نهای را لغو کنید و بگذارید این کارگردان مهم سینمای ایران بار دیگر به ساخت فیلم برگردد.

در خاتمه از شما دعوت می‌کنم به میمنت و مبارکی این موج شادی سینمای ایران بایاید با هم سینمای کشورمان را دور از تسویه‌حساب‌ها و دشمنی‌های بی‌اساس به عنوان یک پدیده افتخار آمیز بستايم و س‌دار په‌روزي‌هاي آينده‌شان نشويم.

گيسو ففغوري: مکان کدک تاتر و بر تصویر بزرگ نقشه دنیا نام ایران قرار گرفت تا اگر حتی از آن پاکت طلایی نام «صغر فرهادی» برای «یک جدایی» خوانده نشد باز هم دلم‌ان خوش باشد که تا آنجا رفته‌ام. از کشوری رفته بودیم که به جنگاوری مشهوریم و گریستیم، خوشحال شدیم و به آرزویمان رسیدیم وقتی در آن سالن بزرگ «صغر فرهادی» به مانند «گلدن گلوب» از صلح و دوست‌خواهی مردم ایران گفت، در این اتفاق چهار نفر دیگر نیز از ایران همراه او بودند. «پیمان معادی»، «سارینا فرهادی»، «محمود کلاری» و «لیلا حاتمى» در تجربه حضور بر فرش قرمز او را همراهی کردند. آنان با هم توانستند حس بزرگ افتخار را برایشان با ارمغان بیاورند. گفت‌وگو با آنان که در آن گوشه دیگر دنیا شد و سرخوش این اتفاق بودند، به لطف رخشان بنی‌اعتماد و باران کوثی و البته وایر ایفون ممکن شد. شادی موسیقی متن گفت‌وگو با «پیمان معادی» و «محمود کلاری» بود. پیمان معادی تاکید می‌کرد این اسکار هدیه‌ای برای مردم ایران و همین خوشحالی که در این مدت کوتاه از آن باخبر شده است و همان چیزی بود که او می‌خواسته است. پیمان معادی دوست و همراه صغر فرهادی در این چند موفقیت‌های جهانی اخیر بوده است. هیجان را می‌توان از تکرار کلماتی همچون «خوب»، «زیبا» و «خوشحالی مردم»، بیشتر و بیشتر فهمید، او می‌گوید: «ما فقط به فکر همه مردم بودیم، صددرصد به مردم فکر می‌کردیم و استرس داشتیم. فکر اینکه همه دارند این اتفاق را دنبال می‌کنند و انرژی این آدم‌های منتظر به ما منتقل می‌شد. آرزویمان بود که

این اتفاق بیفتد تا مردم را خوشحال و خوشحال‌تر کنیم.» او به نامهای که برای صغر فرهادی نوشته بود اشاره می‌کند تا از تحسین‌های اسپیلبرگ، کاپولا و فینچر که در همین سالن حضور داشتند یادى دوباره کند. اما نکته‌ای که در تصاویر پخش شده اسکار دیده نشد تشویق چهار نامزد دیگر بود. معادی می‌گوید: «مسوولان برگزارکننده اسکار می‌گفتند در طول این ۲۲ سالی که این بخش در اسکار برگزار می‌شد هیچ‌گاه ندیده بودند که چهار نامزد دیگر بخش فیلم‌های خارجی چنین عاشقانه برنده را تشویق کنند. قبل از آغاز مراسم، چهار نامزد دیگر به سراغ گروه

جدایی آمدند. آنان می‌گفتند فیلم شما را چنان دوست داریم که باختن به شما هم خوب است.» این در آغوش کشیدن‌ها و شادمانه خندیدن‌ها در لحظات بعد از دریافت اسکار فرهادی ادامه داشته و همه آنان بدون استثنا آمدند و تبریک گفتند. معادی لحظه دریافت اسکار را احساسی و شگنگ توصیف می‌کند به گفته او «این اتفاق زیبا بود و دیگر چه می‌توان گفت جز اینکه از این حس

خوب مردم خوشحالیم و همین را می‌خواستیم، خوشحالیم که روند اتفاقات و افتخارات جدایی نادر از سیمین را تکمیل کردیم.» وقتی از او می‌پرسیم که این اتفاق بالاترین رخدادی است که برای سینمای ایران می‌تواند بیفتد، از آن راه دور خبر می‌دهد که حس خوب مردم را دریافت کرده‌اند: «آن قدر احساسات شگنگ و زیبا می‌سد، این قدر مردم عاشقانه و زیبا برآز علاقه می‌کنند که نشان می‌دهد آن استرس‌های صبح ما بی‌جهت نبود. دوست داشتیم در شان ایران باشیم، می‌خواستیم تصویر خوبی داشسته باشیم و تصویر خوبی از این لحظه در تاریخ ثبت کنیم. واقعا همه مجموعه عوامل سارینا، محمود کلاری و لیلا حاتمى و... در کنار هم توانستند این اتفاق را به خوبی بیافرینند.» و «محمود کلاری» که دیگر همنشین این اتفاق مهم سینمای ایران بود، درباره حال و هوای اسکار و فرش قرمز هالیوود می‌گوید: «صرفنظر از چشم‌انداز فریبندای که در آنجا وجود دارد با آن شکل و شمایل و پروپاگاندای که هست، پخش تلویزیونی



رضا خاتمی

تاریخ ثبت کنیم. واقعا همه مجموعه عوامل سارینا، محمود کلاری و لیلا حاتمى و... در کنار هم توانستند این اتفاق را به خوبی بیافرینند.» و «محمود کلاری» که دیگر همنشین این اتفاق مهم سینمای ایران بود، درباره حال و هوای اسکار و فرش قرمز هالیوود می‌گوید: «صرفنظر از چشم‌انداز فریبندای که در آنجا وجود دارد با آن شکل و شمایل و پروپاگاندای که هست، پخش تلویزیونی

هنر و فرهنگ در چهارراه تمدن‌ها

اشکال مختلفی برای فرهنگ و هنر ایران ممکن است؛ مشارکت در عرصه مدیریت سازمان‌های جهانی، مانند یونسکو، آیسسکو و کنفرانس اسلامی و... حضور موثر در جشنواره‌ها و نمایشگاه‌های جهانی و شرکت در بازار فرهنگ و هنر که در سطح جهانی شتابی فزاینده گرفته و می‌رود، از بازیگران اول صحنه تجارت جهان شود. بسیاری از سیاست‌ها و راهکارهای این مهم در سند برنامه چهارم توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی گنجانده شده است، هرچند کمتر به اجرای آن اندیشیده‌اند. افزون بر همه این‌ها باید توان و ظرفیت تعامل، گفت‌وگو و مبادله داشته باشیم. بخشی از ظرفیت گفت‌وگو، تعامل و مبادله به توانایی ما در تولید آثار هنری ارزشمند و مورد توجه برمی‌گردد، اما بخشی از آن منوط است به اصلاح نگارش و درک ما نسبت به هنر، شناخت‌مان از هنر تونمند و پرتأثیر برگ ایران زمین و همچنین شناخت‌مان از روابط جهانی، تا بتوانیم با حضور در ایوان و پیشخوان فرهنگ و هنر جهان نقش آفرینی داشته باشیم. ایران به دلیل قرار گرفتن در موقعیت ممتاز و ویژه‌ای که از آن می‌توانیم به چهار راه تمدن‌ها یاد کنیم در شرایط و احوالی است که محل تلاقی چند تمدن مهم جهانی است. قرار گرفتن در چنین موقعیتی خدیده‌خوداکنای را

سیاسی و دیپلماتیک موثرتر و کارسازتر بود. نکته جالب درباره فیلم «جدایی نادر از سیمین» این است که این فیلم نه تنها در ایران با استقبال مردم و حتی جشنواره‌های دولتی و غیردولتی روبه‌رو شد که در جهان نیز با استقبال مردمی مواجه گردید. نیز از آن خود کرده بود. جدا از اینکه چنین نسبت‌هایی را به چنین شخصیت‌هایی نمی‌توان داد، این پرسش را نیز می‌توان مطرح کرد که چگونه ممکن است کسانی که جواز ملی‌شان نیز اینقدر بالاست، در جشنواره‌های خارجی به دلیل ناسیماهای جایزه گرفته باشند؟ در سال‌های اخیر این نگاه کمابیش اصلاح و از جهانی منزوی شده است، واکنش عمومی به موفقیت اخیر فیلم صغر فرهادی نشان داد کسانی که موفقیت هنر ایرانی در دنیا را به حساب سیاه‌نامی می‌گذارند، اندکند. البته برخورد هنرمندان ایرانی در واکنش به موفقیت‌شان نیز در این امر تأثیر زیادی دارد. هنرمندان ایرانی به‌رغم اینکه با محدودیت‌های زیادی روبه‌رو هستند، وقتی در چنین جایگاهی قرار می‌گیرند، خود را در نقش سفیران ملت می‌بینند. آن چند جمله کوتاه صغر فرهادی هنگام گرفتن جایزه اسکار، در زمانه‌ای که عده‌ای بر طبل جنگ می‌کوبند در اصلاح تصویر ایرانیان به مراتب از بسیاری اقدامات

احمد مسجدجامعی



● **ادامه از صفحه اول**

و ن‌فسر بیشترین جایز را از جشنواره‌های جهانی گرفته بودند. عباس کیراستمی و مجید مجیدی، مجیدی بیشترین جایز داخلی را نیز از آن خود کرده بود. جدا از اینکه چنین نسبت‌هایی را به چنین شخصیت‌هایی نمی‌توان داد، این پرسش را نیز می‌توان مطرح کرد که چگونه ممکن است کسانی که جواز ملی‌شان نیز اینقدر بالاست، در جشنواره‌های خارجی به دلیل ناسیماهای جایزه گرفته باشند؟ در سال‌های اخیر این نگاه کمابیش اصلاح و از جهانی منزوی شده است، واکنش عمومی به موفقیت اخیر فیلم صغر فرهادی نشان داد کسانی که موفقیت هنر ایرانی در دنیا را به حساب سیاه‌نامی می‌گذارند، اندکند. البته برخورد هنرمندان ایرانی در واکنش به موفقیت‌شان نیز در این امر تأثیر زیادی دارد. هنرمندان ایرانی به‌رغم اینکه با محدودیت‌های زیادی روبه‌رو هستند، وقتی در چنین جایگاهی قرار می‌گیرند، خود را در نقش سفیران ملت می‌بینند. آن چند جمله کوتاه صغر فرهادی هنگام گرفتن جایزه اسکار، در زمانه‌ای که عده‌ای بر طبل جنگ می‌کوبند در اصلاح تصویر ایرانیان به مراتب از بسیاری اقدامات

حمیدرضا آصفی



● **سخنگوی سابق وزارت امور خارجه**

در ابتدا من این موفقیت را به آقای فرهادی و تمامی عوامل فیلم و همچنین اهالی سینما تبریک می‌گویم. این موفقیت باعث شادی هندوستان شده و به طور حتم سینمای ایران را در یک جایگاه والاتر قرار خواهد داد. خوشحالی دیگر از موفقیت این فیلم این است که برعکس برخی فیلم‌های دیگر که در جشنواره‌ها به دلیل ناسیماهای جایزه می‌گرفتند، خود را به دلیل بار هنری‌اش، برنده جایزه شده است. از منظر دیگر پرداختن به حضور ایران در چنین جشنواره‌ای و برنده شدن

فتح اورست سینمایی

خود دارد. سینما نیز به همین ترتیب، چه از مسیر هند و چه مستقیماً بسیار زود وارد ایران شد و در گوشه و کنار شهر چندین سینما پارادیزوی خاطره‌انگیز بر جای نهادا در شرایط واقعا دشوار کنونی، «سینمای بی‌خانه ایران» توانست پیام هنرپروری و هنردوستی ایرانیان را به جهان برساند! سینمای ایران در جبهه مقدم حضور روشنگرانه ایران قرار گرفت و با موفقیت جدایی نادر از سیمین، در دستبایی به مهم‌ترین و دشوارترین جایزه سینمایی جهان، که بسیاری از برجستگان و سرشناسان تاریخ سینما توفیق آن را نیافتند، در این مسیر دور و دراز و طولانی سرانجام به قله رسید! این قله اورست سینمایی را فتح کرد. من به عنوان یک تماشاگر سینمای ایران، این افتخار را نه فقط به کارگردان و هنرمندان این فیلم به‌خصوص، بلکه به همه کسانی که بار هنری و فرهنگی سینمای پرمتحنا و روشنگرانه ایران را بر دوش کشیده و آن را در تلاشی امدادی به این قله رسانده‌اند تبریک می‌گویم و از این گلی که در کویر رویانده‌اند، سپاسگزار!

فریدون مجلسی



این ملت عجیب گهگاه از خودش استعدادهایی بروز می‌دهد که حکایت از عمق و قدمت فرهنگی آن دارد! وقتی صنعت عکاسی در جهان پدیدار شد، ایران از نخستین کشورهای بود که فن این هنر و فن آشنا شد و تاریخی‌صور از دوران اولیه آن بر جای گذاشت. به یاد دارم چند سال پیش سفیر هند دوست اسپانیا در مصاحبه‌ای تلویزیونی با حیرت می‌گفت که عکاسی در اسپانیا، یعنی در زیر گوش زدآنگاه این فن و هنر، ۶۰ سال پس از ایران کاربرد عمومی یافت؛ وقتی نخستین گرمافون ساخته شد که صدارا به جای صفحه‌روی سیلندرن ضبط می‌کرد، با اینکه آن شیوه شاید دو سال هم نپایید و به صفحه تخت بدل شد، اما یکی از معدود سیلندرهای بر جای مانده همانی است که سخنان مظفرالدین‌شاه را بر

بهمن فروتن



● **Bahmanforutan.blogfa.com**

تشکر می‌کنم از نگار اسکندر فر برای تهیه فیلم «جدایی نادر از سیمین». امروزه تهیه‌کنندگان زیادی در فیلم و سینما وجود دارند که پول‌شان را برای فکر خرج نمی‌کنند. پول‌سازاری به آنچه سطحی است و زرق و برق بیشتری دارد پهای بیشتری می‌دهد، به همین دلیل هم مدرنیته تفکرستیز است و دیالوگ‌های دودوستی را بیشتر می‌پسند تا محاوره‌هایی که به عمق مناسبات اجتماعی ا‌داره دارد. اصغر فرهادی برای شخص من در زمره بهترین کارگردان‌های جهان است. با امکاناتی که فرهادی در این فیلم داشته است با محدودیت‌ها و معنودیت‌های موجود در سینمای ایران، کمتر کارگردانی در سطح جهان «جدایی نادر از سیمین» را می‌توانست با این ارزش، از همه نظریه فرم و محتوا به تماشاگر بافرهنگ و اداب‌ورسوم کاملاً متفاوت انتقال دهد. «جدایی نادر» یکی از شاهکارهای سینمایی جهان است و مطمئناً در تاریخ

گفت‌وگو با پیمان معادی و کلاری در «بورلی هیلز»

و بقیه ماجراهایی که همه هدف اصلی‌اش جذب مخاطب است، یعنی همان ذات سینماست. مهم‌ترین اتفاق این بود که خودش را به این قله افتخار که آخرین سنگر سینمایی در جهان است رساند. در این عرصه‌ای که ما حضور داریم و هستیم طبیعتاً نمی‌توانستیم از این حس خوب دچار غرور نشویم. ما در کنار کسانی بودیم که سال‌ها و بارها دربار‌هاشان شنیده بودیم «مارتین اسکورسزی» و «اسپیلبرگ» و... در این شرایط و در این موقعیت قابل توجه فیلم جدایی خود را به این مکان رسانده بود. به لوج رسانده بود و خیلی طبیعی بود که دچار دلشوره و نگرانی باشیم که آیا این اتفاق می‌افتد یا نه؟» کلاری که تعداد زیادی حضور جهانی دارد چنین می‌گوید: «باور کنید در لحظاتی تمام تم می‌لرزد!» او می‌گوید هرچند که جایزه فیلمنامه اقتباسی را فرهادی نگرفته است اما نامش در میان پنج فیلم بهتر دنیا قرار گرفته است و این اتفاقی بزرگ است و می‌گوید: «هر اتفاقی بیفتد فرهادی پاسخ تمام تلاش‌هایش را نگرفته است. تلاش شبانه‌روزی که شاهدش بودیم. او همین‌طور رو به تالیی رفته است و به‌نظم اسکارا‌ها‌های قله افتخار است و او تمام قلله‌ها را فتح کرده است.» و آرزوی یکی از اعضای این گروه شادمان جدایی این بود: «اسکار جایزه‌نویی برای سینمای ایران بود و به عنوان کسی که در این اتفاق سهم دارم خوشحالم که مردم را شاد کردیم، جای بچه‌های دیگر خالی بود، ساره بیات، شهاب حسینی و...» او اضافه می‌کند: «ن:شالله» در اسکارهای بعدی... آنان در گوشه‌ای دیگر از این دنیای بزرگ به خواب می‌روند تا فردا به وطن بازگردند.

در اختیارتان قرار می‌دهد که شاید در نگاه نخست بر ما آشکار نباشد، اما بسیار تأثیرگذار است. ماهاتیر محمد معمار ملازی جدید در جلسه‌ای می‌گفت: «ایران می‌تواند نقش جایگاه و اهمیتی که در جاده‌ابریشم تاریخی داشت در جاده‌ابریشم جدید که مبتنی بر فرهنگ و فناوری اطلاعات است، داشته باشد» تجربه‌ها نشان داده است که ما هرجا با تکیه بر این ظرفیت‌ها و سرمایه‌های انسانی‌ها به عرصه آمده‌ایم. موفقیت‌ها کسب کرده‌ایم برای موفقیت نیازی فزاینده گرفته و می‌رود، از بازیگران اول صحنه تجارت جهان شد. بسیاری از سیاست‌ها و راهکارهای این مهم در سند برنامه چهارم توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی گنجانده شده است، هرچند کمتر به اجرای آن اندیشیده‌اند. افزون بر همه این‌ها باید توان و ظرفیت تعامل، گفت‌وگو و مبادله داشته باشیم. بخشی از ظرفیت گفت‌وگو، تعامل و مبادله به توانایی ما در تولید آثار هنری ارزشمند و مورد توجه برمی‌گردد، اما بخشی از آن منوط است به اصلاح نگرش و درک ما نسبت به هنر، شناخت‌مان از هنر تونمند و پرتأثیر برگ ایران زمین و همچنین شناخت‌مان از روابط جهانی، تا بتوانیم با حضور در ایوان و پیشخوان فرهنگ و هنر جهان نقش آفرینی داشته باشیم. ایران به دلیل قرار گرفتن در موقعیت ممتاز و ویژه‌ای که از آن می‌توانیم به چهار راه تمدن‌ها یاد کنیم در شرایط و احوالی است که محل تلاقی چند تمدن مهم جهانی است. قرار گرفتن در چنین موقعیتی خدیده‌خوداکنای را

که ایران می‌تواند پیام خود را اعلام کند، سینماست. شاید ما با موضوع‌گیری‌های سیاسی نتوانیم پیام خود را بیان کنیم. این نشان می‌دهد که ایران با سینما و هنر مخالف نبوده بلکه آن را تبلیغ می‌کند که نمونه‌ان جدایی نادر از سیمین است. این بیانگر جایگاه والای هنر و سینما در ایران است. باز اعتقاد من بر این است که باید با ابزار دیپلماسی عمومی بتوانیم سیاست‌های رسمی کشور را پیش ببریم، به این دلیل که دیپلماسی عمومی، مکمل دیپلماسی رسمی است. چنین رویه‌ادهایی می‌تواند این پیام را داشته باشد که ما کشوری حلی‌می صلح و گزین را از جنگ هستیم. در نهایت اینکه باید چنین توفیقی را برای ایران به فال نیک گرفت که بتوانیم از این گونه ظرفیت‌ها در عرصه بین‌المللی بهره ببریم.

جدایی ضد جنگ است

موضوعی جهانی تمرکز کرده است و همین امر باعث شده فیلم مورد توجه انسان‌های جوامع مختلف قرار بگیرد. مساله اخلاقی و روابط انسانی بین پدر و پسر، زن و شوهر و نسل جدید که با بازی سارینا فرهادی به خوبی در فیلم نشان داده شده از نقاط قوت فیلم است. به نظر من نقش پدر در این فیلم نشان‌دهنده ایران امروز است. پدر در اوج هیبت ولی از کار افتاده است. ایران هم امروز همین شرایط را دارد. بعد اخلاقی که صرف فرهادی در این فیلم نمایش داده است همه دنیا را تحت تأثیر قرار داده، آموزه‌های اخلاقی و فرهنگی امروز در تمام دنیا موضوعات مطرحی است و این فیلم به زیبایی توانسته این موضوعات را به تصویر بکشد. در شرایطی که تندروها کوس جنگ می‌نوازند، در قلب آمریکا یک فیلم ایرانی اکران شده، توسط عده زیادی از مردم عادی دیده شده و در نهایت توانسته جایزه اسکار را دریافت کند و این موقعیت است که افکار عمومی را متوجه‌چهره‌آرام می‌کند و در حقیقت دنیا متوجه طبقه تحصیل‌کرده و بافرهنگ ایرانی شده که این خود یک عمل ضدجنگ است.

که داشت بیشتر در محتوا بود تا فرم. فیلم‌برداری‌هایی خوب است که بتوانند از محتوای فیلم شریک باشند. محمود بود و شگنگ هم بود. دستت درد نکند محمود کلاری عزیز!ما خرس طلا و نقره و جایزه اسکار و جایزه‌های دیگر، بگیریم و کیفش را ببریم ولی از من نخواهید راجع به این جایزه‌ها بنویسم. من با مدرنیته، تلویزیون‌لار و پول‌سالاری آشتی نیستیم. این‌ها نادران‌ها کشیده‌اند. نگاه بی‌پندار و به یونان، بینیتد اسپانیا در چه وضعی است. وضعیت سیاسی و اجتماعی در عراق، ناپاسانی‌ها در افغانستان، وضعیت کشورهای حوزه خلیج‌فارس، بحران‌های شدید اقتصادی، به تاراج بردن انرژی و ثروت کشورهای تحت ستم، جنگ، ترور و وحشت، پشتیبانی از دیکتاتورها، نه من شخصاً جایزه نولیبیرال‌ها را نمی‌خواهم. من اینجا از توارش چون آزار ترامس و زسیلین، از نسلی خور /وزین تصویر بر دیوار ترامس/ جایزه را بگیریم، کیفش را ببریم و در هم نمی‌گویم. نگریه‌د خوب نیست، من شخصاً با این غریبه که به این شکل است سر دوستی ندارم و جایز‌شان را هم نمی‌خواهم ولی خیلی خوشحالم که شما عزیزان جایزه گرفتید. موفق و مودباشید.

نگاه نویسنده

شکستن جبر جغرافیایی

علی‌اصغر سیدآبادی



ما درست همین روزها همین روزها که پر از یأس‌اند، همین روزها که اعتماد به نفس‌مان دچار خدشه شده است، همین روزها که فکر می‌کنیم «جبر جغرافیه» هر کجا که خواست می‌رهمان، درست در همین روزها به این جایزه نیاز داشتیم. نیاز ما به این جایزه، نیاز به داشتن تندیس اسکار در خانه یکی از ایرانیان نیست. این جایزه در این روزها، تنها یک جایزه نیست، بلکه در این روزها برای ما یک نشانه است، نشانه عبور از جبر جغرافیایی، نشانه اینکه درست در همین روزها هم افرادی شادی و ارمیان فراهم است، درست در همین روزهای می‌توان این جبر جغرافیایی را شکست و راهی به راهی، از آن جست. این جایزه برای ایرانیان نشانه توانستن است، نشانه امید است، امیدی که شخصی نیست، امید اجتماعی است. این اتفاق تنها یک اتفاق در دایره شهر هنر ایران یا حتی جهان نیست، اتفاقی است که سرنوشت ما را می‌تواند تغییر دهد، نه خودش بلکه حسی که به ما می‌بخشد، اعتماد به نفسی که به ما می‌بخشد، امیدی که به ما می‌بخشد و چقدر به این امید جمعی و اعتماد به نفس جمعی نیاز داشتیم این روزها، این همه ماجرای یک روی سکه است؛ تأثیرش در ذهن و روان ما ایرانیان. این سکه روی دیگری نیز دارد و آن تأثیری است که در جهان می‌گذارد، تأثیری که بیش از هر زمانی اکنون به آن نیازمندیم. این تأثیر را منش بزرگوارانه و شخصیت محکم و ممتاز اصغر فرهادی پرتنگ‌تر می‌کند. در سخنان او حتی اگر رنگی از هیجان باشد، از جوگیری خبری نیست. سخانش مانند کسی نیست که ناگهان فرصتی به دست آورده باشد که امکان تکرارش نیست. سخنان او در این مدت نشان از یک شخصیت پخته و ممتاز دارد که دل در گروی مردم و وطنش دارد و از دخالت بیگانگان و جنگ بیزار است و دوست دارد مردم جهان تصویری درست‌تری از ایرانیان داشته باشند، تصویری که با آن تصویر رسانه‌ای و رسمی متفاوت است. سخنان او در این جایگاه حتما تصویری بهتر از ما را‌ایه می‌دهد و این تصویر بهتر حتما کار را برای جنگ‌طلبان و دشمن‌ت‌طلب دشوار می‌کند. تردیدی نیست که از همین امروز ما را با چشم دیگری می‌بینند. «قبارهای سیاست» اندکی کنز می‌رود تا چهره فرهنگی کشوری با تمدن چند هزار ساله‌اش آشکار شود.

نگاه بازیگر

اقناع غرور ملی

امین تارخ



دیشب مراسم را دنبال کردم و از تماشای آن لذت بردم، دریافت این جایزه بسیار غرورآفرین است گرچه ممکن است برای بسیاری این جواز اهمیت نداشته باشد اما من پس از شنیدن نام کشورم احساس کردم غرور ملی‌ام اقناع شد. تبریک فراوانی به آقای اصغر فرهادی می‌گویم که این جایزه دلچسب را برای سینمای ایران به ارمغان آورد. از سوی دیگر به مردم ایران تبریک می‌گویم و اعتقاد دارم این درخشش‌ها در سینمای ایران ماندگار است و این فیلم نقطه عطفی در تاریخ ایران به شمار می‌رود. این فیلم نشان داد که ما نقاط قوت بسیاری را در سینمای ایران داریم. فرهادی توانست این نقاط قوت را باغفل کند. سینمای ایران بدون تکیه بر تکنولوژی، محتوای اکشن یا سرگرمی صرف توانسته در جهان مطرح شود و فروش ۱۰میلیون دلاری جدایی نادر از سیمین می‌تواند به معنای ورود سینمای ایران به عرصه جهانی باشد.

نگاه عکاس

میراث تصویری یک ملت

آلفرد یعقوب‌زاده



■ فیلم جدایی نادر از سیمین ساخته اصغر فرهادی نشان داد که می‌توان به شکلی متفاوت تصویری از ایران را برای جهانیان به نمایش گذاشت. تصویری که طی دهه‌های اخیر توسط رسانه‌های بین‌المللی ساخته شده آنچنان خوشایند نبوده است. اما باید توجه داشت ایران کشوری است دارای تمدنی غنی و قدیمی. موضوعات این فیلم برای همگی ما آشنا و قابل درک هستند. فرهادی با هوشیاری کامل سعی کرده تا در دام ملودرام‌های رقت‌آور نیفتد و با روشی عتافی و زیبا یک موضوع تلخ و در معنا خشن را به بهترین راه نشان داده است. باید در اینجا از هنری نظیر تصویربرداری محمود کلاری یاد کنم که به جزئیات و کلیات اثر اسجمایی شگفت‌انگیز اعطا کرده است. دوربین کلاری یک ابزار جادویی است که تمامی جزئیات را به قول معروف با قدرت جادو کرده است. فیلم‌برداری کلاری معروف یک شاهد حقیقی است. دوربینی که به هیچ عنوان دچار خبرگی در تصویربرداری نشده است. هنر کلاری حقیقتاً مرا به یاد آثار آوانگارد‌های فرانسوی دهه ۶۰ می‌اندازد. تمامی این ویژگی‌های بصری و روایی، قدرت و خلاقیت سینمای ایران را ثابت می‌کند. من به عنوان یک ایرانی مقیم پاریس به این موفقیت می‌بالم. و افتخار می‌کنم. به خصوص زمانی که مخاطبان فرانسوی در اکران از این فیلم استقبال کردند. شادم می‌دانم دوچندان شده، دانشموان با این فیلم بسیار راحت‌تر برخورد کردند تا با فیلم جودوی آلن. این یک سپاس‌گزاری بزرگ و واقعی بود. جدایی نادر از سیمین جایگاه ویژه‌ای در فهرست فیلم‌های اندیشمندانه دارد که تمامی نسل‌ها می‌توانند از آن لذت ببرند.